

موازنه‌گرایی در سیاست‌های ژئوپلیتیکی هند (با تأکید بر نقش و جایگاه بندر چابهار ایران)

حمیدرضا محمدی^۱، ابراهیم احمدی^{۲*}

۱-دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی

۲-دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد

پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۹/۲۵

تأیید نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۸/۱۷

چکیده

مکان‌های جغرافیایی هنگامی نزد بازیگران سیاسی مطلوبیت پیدا می‌کنند، که از حیث ارزش (سیاسی، اقتصادی، ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیکی) تولید کننده قدرت باشند؛ به تعبیری به واسطه وزن ژئوپلیتیکی که دارند بتوانند تأمین کننده نیازهای حیاتی آن بازیگر سیاسی (مثلاً کشور) باشند. بندر چابهار به واسطه وزن ژئوپلیتیکی بالا از حیث تأثیرگذاری، چنین مکانی است. هند به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای بزرگ و قدرت نوظهور جهانی قصد دارد از پتانسیل‌های مکانی چابهار در موازنه با رقبای عمده، بهره ببرد. به‌طور اجمالی، موازنه‌گرایی هند از طریق بندر چابهار با دو هدف است؛ موازنه منافع با ایران، که از نوع وابستگی متقابل است. موازنه قدرتی با پاکستان و چین که از نوع رقابت و گاهاً منازعه است؛ از این منظر- در درجه اول، چابهار مدخلی است برای خروج هند از تنگنای محاصره در جنوب آسیا توسط چین و پاکستان. در درجه بعدی، مسیر ایران (چابهار) به‌عنوان یک مسیر راهبردی، امن و مقرون به صرفه؛ مناسب‌ترین مسیر برای هند، جهت ورود به افغانستان (با وجود دشمنی با پاکستان)، آسیای مرکزی و کشورهای حوزه دریای خزر می‌باشد. در ورود هند از طریق ایران، به مناطق مذکور، اهدافی همچون: نیازمندی‌های اقتصادی (انرژی و بازرگانی)، امنیتی (مبارزه با تروریسم) و سیاسی (موازنه و رقابت با چین و پاکستان) نهفته است.

واژه‌های کلیدی: وزن ژئوپلیتیکی، هند، بندر چابهار، بندر گوادر، ایران، پاکستان، چین.

مقدمه

به‌طور کلی جغرافیا، تولید کننده‌ی فرصت‌ها و محدودیت‌هایی برای زندگی انسان‌ها است. ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی در مجموع شامل مکان و فضای جغرافیایی و الگوهای فضایی‌اند که مطلوبیت سیاسی پیدا می‌کنند و توجه بازیگران را به خود جلب می‌کنند. در واقع ارزش‌های جغرافیایی فرصت‌هایی هستند که مطلوب بازیگران سیاسی اعم از فردی یا گروهی (بدون واسطه یا نیابتی) واقع می‌شوند؛ زیرا در درجه نخست، آنها می‌توانند تولید کننده قدرت باشند و در درجه بعدی، کاربری آنها می‌تواند به سلب قدرت رقبا منجر شود. و در آخر می‌توانند، تأمین کننده‌ی نیازهای حیاتی و منافع جمعی و فردی باشند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰). از حیث ارزش مکان‌های جغرافیایی و مطلوبیت (سیاسی، اقتصادی، ژئوپلیتیکی، راهبردی و...) آنها؛ بندر استراتژیک چابهار به‌عنوان یک مکان با ارزش‌های ژئوپلیتیکی منحصر به فرد، از چنان وزن ژئوپلیتیکی برخوردار است که امروزه مورد توجه بازی‌های قدرتی و سیاست‌های ژئوپلیتیک کشورهای منطقه و قدرت‌های در حال ظهور- نظیر هند و حتی چین، ژاپن و روسیه قرار گرفته است (احمدی و احمدی، ۱۳۹۵). در این بین، هند در تلاش است تا با یافتن جای پای برای خود در حوزه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی در سطوح جهانی و منطقه‌ای، نه تنها به کسب، حفظ و افزایش قدرت و منافع ملی خود بپردازد- بلکه در راستای تفکر یک قدرت بزرگ بتواند نفوذ ژئوپلیتیکی خود را در مناطق راهبردی و استراتژیکی مهم توسعه و گسترش دهد. ورود هند به چابهار ناشی از دو سطح اصلی و فرعی از موازنه ژئوپلیتیک است. سطح اول (اصلی) موازنه منافع با ایران؛ این مسئله ناشی از این واقعیت

است که ایران کشوری است با موقعیت ژئوپلیتیکی استثنایی. به لحاظ سیاسی نیز، ایران هم اکنون کشوری تأثیرگذار در منطقه و جهان است (زرقانی و احمدی، ۱۳۹۵). هند با واقف بودن بر چنین موقعیتی، به تبع از وابستگی‌های متقابل، سعی در تثبیت موقعیت خویش در ایران و چابهار دارد. تا از این طریق بتواند موازنه قوا را با رقبای اصلی‌اش (چین و پاکستان) برقرار سازد. ضمن اینکه، توسعه‌ی چابهار با موقعیت کم‌نظیر ژئو راهبردی و ژئوپلیتیکی (همسایگی با افغانستان و شش کشور محصور در آسیای میانه، قرار گرفتن در کریدور جهانی شمال- جنوب) قادر است ضمن برگرداندن آرامش (اقتصادی و امنیتی) به استان محروم سیستان و بلوچستان، نقش بسزایی در امنیت، قدرت ملی (در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی) و وزن ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران را به اجرا بگذارد (احمدی و احمدی، ۱۳۹۵). سطح دوم موازنه هند، از نوع موازنه قدرتی با چین و پاکستان است؛ از این حیث هند با آگاهی از تنگناهای ژئوپلیتیکی خود (در ورود به افغانستان، آسیای میانه و کشورهای حوزه خزر)، از بندر چابهار (به مثابه ژئوپلیتیک دسترسی) در موازنه قدرتی خود با چین و پاکستان بهره‌برداری می‌کند. البته در مقابله با هند، چین و پاکستان که در همه‌ی زمینه‌ها از روابط مستحکمی برخوردارند، آنها توسعه بندر گوادر را با سرمایه‌گذاری کلانی از جانب چین، در پیش گرفتند. در واقع توسعه بندر گوادر ثقل مناسبات اقتصادی و امنیتی چین و پاکستان است. در طرح توسعه این بندر عواملی بیش از گزینه مقابله با هند نهفته است- ولی توسعه بندر گوادر بی‌ربط به گزینه هند هم نیست. در این راستا

به روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع معتبر، چون کتب، مقالات علمی- پژوهشی، گزارش و ... گردآوری شده است.

هدف پژوهش بررسی وزن ژئوپلیتیکی چابهار و جایگاه آن در موازنات ژئوپلیتیکی هند است. بنابراین، سوال اصلی پژوهش اینگونه است که اصولاً موازنه ژئوپلیتیکی هند از طریق بندر چابهار با چه اهدافی است؟ به طور اجمالی، موازنه‌گرایی هند از طریق بندر چابهار به دو هدف اساسی است؛ موازنه منافع با ایران، که از نوع وابستگی متقابل (منافع مشترک) است. موازنه قدرتی با پاکستان و چین که بیشتر جنبه رقابتی دارد و گاه‌ها شکل منازعه به خود می‌گیرد.

بحث و نتایج

وزن ژئوپلیتیکی و جایگاه کشورها در نظام

بین‌المللی

کشورهایی که در سازمان‌های بین‌المللی و یا منطقه‌ای عملاً بر فرایندها و تصمیمات و اقدامات جمعی تأثیر گذاشته و دیگر کشورها و اقدامات و کنش آنها را نیز متأثر می‌نماید- آنهایی هستند که از وزن ژئوپلیتیکی و به تبع آن منزلت بیشتر و برتر در میان سایر اعضاء سازمان بین‌المللی و منطقه‌ای برخوردارند؛ بدین ترتیب آنها می‌توانند به تولید مجدد قدرت و فرصت‌سازی برای پیشبرد نقطه نظرات، سیاست‌ها، اهداف و برنامه‌های خود در سطح منطقه‌ای و جهانی پردازند. به عبارتی آنچه اهمیت دارد، رابطه بین کشورها در سلسله مراتب سیستم ژئوپلیتیک جهانی است که در آن کشورهای قدرتمند دارای موضعی فعال، نگرشی مبتکرانه و مغرور و از بالا، توسعه طلب، علاقه‌مند به توسعه حوزه نفوذ و راندن کشورهای کم قدرت به دایره و حوزه نفوذ خود می‌باشند

چین سعی دارد از طریق همسایگان هند (به واسطه طرح‌هایی نظیر استراتژی زنجیره مرواریدها)، به محاصر این کشور پردازد. در حقیقت هر قطعه مروارید در این رشته به مثابه کانون نفوذ ژئوپلیتیکی یا حضور نظامی چین محسوب می‌گردد (بزرگمهری و میرزایی، ۱۳۹۶). البته در مورد ایران این قضیه متفاوت است. چین و پاکستان هیچ یک رقابت جدی و روابط خصومت‌آمیزی با ایران ندارند. ازینرو توسعه گوادر برای ایران از دو نگاه فرصت و تهدید قابل ارزیابی است. به طور اجمالی، نویسندگان مختلفی (نصیری، ۱۳۸۷؛ خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰؛ سعیدی و همکاران، ۱۳۹۱؛ زر قانی و احمدی، ۱۳۹۵؛ عسکری کرمانی، ۱۳۹۵ و احمدی و احمدی، ۱۳۹۶) به جنبه‌های متفاوتی از جایگاه (محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) بندر چابهار، هر چند، به صورت ضمنی پرداختند. به نظر نویسندگان جایگاه رفیع بندر چابهار در اغلب این نوشته‌ها به خوبی دیده نشده است. هرچند هر پژوهشی ماهیت خاص خود را دارد. به‌زعم نویسندگان در این زمینه، پژوهش مستقلی وجود ندارد، که به طور مفصل از دید کلان منطقه‌ای و جهانی، جایگاه با اهمیت چابهار را از منظر بازی‌های ژئوپلیتیکی، مورد واکاوی قرار دهد. این پژوهش تلاش خود را به کار گرفته تا در حد مطلوبی به تبیین و توضیح جایگاه رفیع بندر چابهار از دو حیث موازنه قدرتی و موازنه منافع با محوریت قدرت نوظهور هند در چارچوب بازی‌های ژئوپلیتیک پردازد.

مواد و روش‌ها

این پژوهش براساس ماهیت و روش، توصیفی- تحلیلی محسوب می‌شود. اطلاعات مورد نیاز، نیز

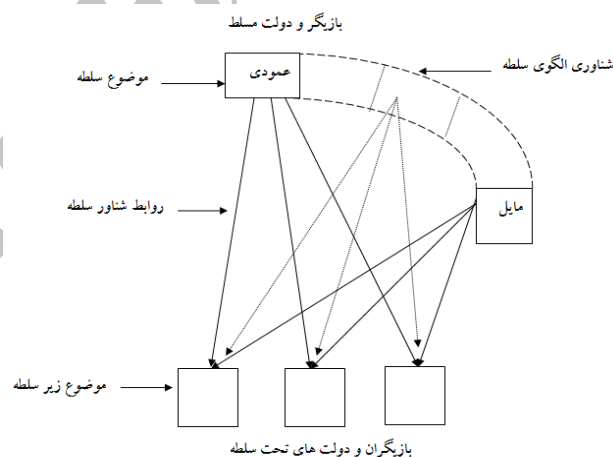
است استفاده از قدرت به شیوه‌های کارزار نظامی نیست بلکه نوعی هیبت سیاسی است که بنا به ادعا به واسطه تصور دارا بودن قدرت، در دل دیگران ایجاد می‌شود. بر این اساس (در این نوع رابطه) قدرت به صورت «تیغ برآی دیپلماسی» در می‌آید (دئورتی و فالتزگراف، ۲۰۰۱).

– رابطه سلطه (Dominance Relationship): رابطه سلطه و تفوق از نابرابری قدرت ناشی می‌شود. طوری که رابطه یک سویه و از بالا به پایین بین دولت و بازیگر قوی با دولت ضعیف و کم قدرت شکل می‌گیرد و دولت قدرتمند سرنوشت دولت ضعیف را به طور مستقیم و غیر مستقیم تعیین می‌کند. همان‌طور که در شکل ۱ جهت قدرت از حالت عمودی تا مایل تابعی از نسبت قدرت بین دولت قوی و دولت ضعیف است. به عبارتی رابطه سلطه به صورت یک طرفه از بالا به پایین و در طیفی از تمایل تا عمودی، به تناسب قدرت شکل گرفته و اجرا می‌شود (حافظنیا، ۱۳۹۰).

(حافظنیا، ۱۳۹۰). در واقع نگرش و روابط کشورها به یکدیگر براساس سلسله مراتب و وزن ژئوپلیتیکی آنهاست که می‌تواند: دوستانه یا خصمانه، صلح طلبانه یا قهرآمیز، سلطه‌پذیر و یا سلطه‌گر باشد؛ از این حیث است که روابط ژئوپلیتیکی بین بازیگران به شکل تعامل، رقابت، تقابل، سلطه و یا نفوذ شکل می‌گیرد:

– رابطه تعاونی (Cooperative Relationship): عبارت است از ارتباط گوناگون و متقابل بین بازیگران بین‌المللی یا رابطه مبتنی بر برابری قدرت (نیل و مکگوان، ۱۹۹۹). در این نوع ارتباطات طرفین از سطح نسبتاً برابر قدرت و وزن ژئوپلیتیکی برخوردارند. چنین ارتباطی دارای خصلت اقدام متقابل و محتاطانه می‌باشد. در این الگوی نگاه بازیگران به یکدیگر، توأم با احترام و احتیاط است.

– رابطه نفوذ (Cooperative Relationship): به نوعی منعکس کننده سلطه، اقتدار و نتیجه نابرابری قدرت می‌باشد. در این مفهوم آنچه حائز اهمیت



شکل ۱: الگوی رابطه سلطه، مأخذ: حافظنیا، ۱۳۹۰

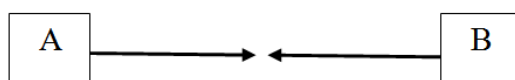
قدرت (نیل و مکگوان، ۱۹۹۹). اجمالاً روابط رقابتی می‌تواند به شکل رقابت بین دو یا چند قدرت هم‌تراز جهانی یا دو قدرت هم سطح درجه ۱ و درجه ۲ منطقه‌ای باشد. یا اینکه از نوع

– رابطه رقابتی (Competitive Relationship): روابط رقابتی به مجموعه تلاش‌ها و فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که با هدف کسب برتری و سیادت در زمینه‌ی خاصی بین بازیگران انجام می‌گیرد

رقابت مداخله‌ای با شد و یا به صورت رقابت‌های اقتصادی و ... باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰).

-**رابطه تقابلی** (Confrontational Relationship): این رابطه غالباً بر پایه‌ی برابری نسبی قدرت بین بازیگران، زمانی شکل می‌گیرد که منافع متعارض بین بازیگران از اهمیت و حساسیت بالاتری برخوردار شده، تا حدودی که رقابت بین آنها از

حد متعارف بین‌المللی خارج شده است، به طوری که مواضع ژئوپلیتیکی آنها در مقابل هم، مبتنی بر اعراب و تهدید و جنبه‌ی علنی به خود گرفته است. این رابطه بین بازیگران، در شدیدترین حالات ممکن است به شکل رویارویی نظامی، تسلیجاتی و حتی اتمی خود نمایی کند (حسین‌پورپویان، ۱۳۹۲).



شکل ۲: الگوی رابطه تقابلی

هند به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای

هند از لحاظ موقعیت جغرافیایی در جنوب شبه قاره واقع شده، از لحاظ وسعت در مقام هفتم جهانی قرار دارد و دومین جمعیت جهان پس از چین را داراست. رشد اقتصادی هند طی سال‌های ۱۹۹۰ به بعد با سیاست آزاد سازی اقتصادی و سیاسی افزایش چشم‌گیری داشته است. در فاصله سال‌های ۲۰۰۹ الی ۲۰۱۲ م. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی هند ۷/۷ درصد بوده است. از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ م. میانگین نرخ رشد تولید ناخالص داخلی هند ۵/۸ درصد بوده است که نشانگر کاهش نسبی در رشد اقتصادی این کشور است (هال، ۲۰۱۵). مجدداً از ۲۰۱۵ م. میانگین نرخ رشد اقتصادی هند ۷/۵ درصد بوده است، که رقم بالایی است. در سه ماهه اول سال ۲۰۱۶ م. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی هند معادل ۷/۹ درصد بوده است که نشان از رشد قابل توجهی برای این کشور است (جانسیرو و بهرامی‌مقدم، ۱۳۹۵). در سال ۲۰۱۵ مجموع تولید ناخالص داخلی جهان حدود ۷۵ تریلیون دلار بوده است که از این میزان ۱۷/۹۴۶ تریلیون دلار به ایالات متحده و ۱۰/۸۶۶ تریلیون دلار آن به چین تعلق داشته است. در

الگوهای نام برده اساساً از پویایی برخوردار بوده و دوره ثبات یا تحول آنها تابعی از نحوه ترکیب و تحول عناصر جغرافیا و سیاست می‌باشد. براساس عناصر جغرافیا و سیاست، نظام ژئوپلیتیک جهانی با ویژگی‌های متنوع، بسترساز تقلا و کشمکش بین قدرت‌ها و بازی‌های ژئوپلیتیکی بین بازیگران عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در سه سطح منطقه، پیرامون و بالاخره جهانی است. از آنجایی که نظام ژئوپلیتیک جهانی ساختار سلسله‌مراتبی دارد- هر بازیگر بسته به پتانسیل‌های قدرت ملی یا وزن ژئوپلیتیکی خود، در این نظام تلاش می‌کند تا با در اختیار گرفتن حوزه‌ی نفوذ و قلمرو تأثیرگذاری بیشتر، وزن و منزلت ژئوپلیتیکی خود را تقویت کرده و در نتیجه موقعیت و جایگاه خود را در ساختار مذکور ارتقاء ببخشد. براین اساس آرمان اصلی کشورها، تداوم و توسعه موقعیت خود در مقابله با سایر واحدهای سیاسی است که آنها نیز قاعدتاً بر تداوم منافع و وضعیت خود متمرکز هستند. در حقیقت تحت‌تأثیر این سناریوی سیاسی، ملاحظات ژئوپلیتیکی کشورها به شکل امنیت نظامی و نفوذ سیاسی بین‌المللی از اهمیت خاص برخوردار می‌شود (حسین‌پورپویان، ۱۳۹۲).

هم‌سایگان و حتی ورای آن، زمزمه عضویت این کشور با حمایت آمریکا، در باشگاه کشورهای صاحب‌وتو و ... بخشی از توانایی‌های قدرت نرم هند است (زرقانی و احمدی، ۱۳۹۵). به‌طور کلی در میان کشورهای شبه‌قاره و حوزه اقیانوس هند، کشور هند به دلیل وسعت و گستره‌ی جغرافیایی، میزان جمعیت، بهره‌مندی از مواد خام زیرزمینی و بلاخره قدرت عظیم اقتصادی و نظامی دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در منطقه و جهان است (اخوان‌کاظمی و عزیز، ۱۳۹۲). تصویری که از این کشور به‌عنوان یک قدرت واقعی منطقه‌ای در نگاه رهبران هند تجلی یافته است و قدرت‌های منطقه‌ای نیز آن را پذیرفته‌اند. از این حیث مشاهده می‌شود که براساس مؤلفه‌های قدرت ریچارد مویر (فیزیکی، جمعیتی، اقتصادی، سازمانی، ارتشی و قدرت از منظر روابط خارجی) هند در قطار کشورهای پر قدرت دنیا جای می‌گیرد (دیویدی، ۲۰۰۴). یعنی دقیقاً آن چیزی که به لحاظ نظری یک قدرت منطقه‌ای باید داشته باشد.

ابعاد موازنه‌گرایی در سیاست‌های ژئوپلیتیکی هند: استراتژی کلان هند، جهان را به سه دایره متحدالمرکز تقسیم می‌کند. اولین دایره، همسایگان نزدیک هند را در بر می‌گیرد. در محیط این دایره، هند در پی کسب موقعیت هژمونی است تا به واسطه آن بتواند با حضور قدرت‌های دیگر در این منطقه مقابله کند (هژمون منطقه‌ای). دایره دوم، منطقه و سیرت‌تری از هم‌سایگان هند را در بر می‌گیرد که محیط آن را آسیا و حاشیه اقیانوس هند تشکیل می‌دهد. در این محیط، هند در پی ایجاد موازنه در مقابل سایر قدرت‌ها و ممانعت از تضييع منافع خویش توسط آنها می‌باشد. در دایره سوم که در واقع کل جهان را در بر می‌گیرد، تلاش هند در جهت

این میان هند پس از ژاپن، آلمان، انگلیس و فرانسه در رتبه هفتم قرار گرفته است. با توجه به چشم‌انداز نرخ رشد اقتصادی هند انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۲۰ م. هند در حجم تولید ناخالص داخلی از فرانسه و بریتانیا نیز پیشی گرفته و جایگاهی بالاتر در رتبه‌بندی جهانی دولت‌ها بر پایه حجم تولید ناخالص داخلی کسب کند (فرانکل، ۲۰۱۵). اگر رشد اقتصادی هند با چشم‌انداز کنونی‌اش ادامه داشته باشد، هند تا ۲۰۳۰ م. با حدود ۳۰ تریلیون تولید ناخالص داخلی سالیانه سومین اقتصاد بزرگ جهان خواهد بود. این قابلیت‌ها هم‌چنین به رشد ظرفیت‌ها و توان نظامی ملی کمک کرده است و در اثر منابعی که ثروت فزاینده اقتصادی کشور تولید می‌کند، رشد نظامی هند نیز روندی فزاینده به خود گرفته و وارد دوره‌ای از نو سازی نظامی شده است (جانسیر و بهرامی مقدم، ۱۳۹۵). تعداد کل نیروهای مسلح هند ۳/۷۷۳/۳۰۰ نفر (جایگاه اول جهانی) نیروهای فعال ۱/۴۱۴/۰۰۰ نفر (جایگاه سوم جهانی) و شبه نظامیان آن ۱/۰۸۹/۷۰۰ نفر هستند. پیش‌بینی شده، میزان پرسنل نظامی هند تا سال ۲۰۲۵ به میزان ۲۶۸۷۹۵ نفر برسد (بانک اطلاعات نظامی، ۲۰۱۴). هم‌اکنون هند دارای ششمین نیروی دریایی و چهارمین نیروی هوایی بزرگ دنیا می‌باشد. هم‌چنین در سال ۲۰۱۵ م. تعداد کلاک‌های هسته‌ای هند ۱۱۰ تا ۱۲۰ عدد ذکر شده است (فدراسیون دانشمندان ایالات متحده، ۲۰۱۵). هند از لحاظ قدرت نرم نیز کشور پیشرویی است. عضویت در ۷۷ سازمان و نهاد منطقه‌ای و بین‌المللی، سومین کشور فعال در دنیا به لحاظ اعزام نیروهای پاسدار صلح، مشارکت فعال در تمامی کارگذاری‌های تخصصی سازمان ملل، گستره حوزه نفوذ فرهنگی بر

دوم چین

چین و هند در هر دو قدرت‌های درجه اول منطقه‌ای و درجه دوم جهانی به حساب می‌آیند. در ساختار روابط ژئوپلیتیکی، الگوی روابط این کشورها دو سویه است. دو کشور چین و هند با داشتن بیش از نیمی از جمعیت جهان و کارکردهای اقتصادی، سیاسی و نظامی گسترده، هم‌اکنون هر دو در ردیف کشورهای قدرتمند در سطح منطقه‌ای خود و حتی جهان‌اند. معمولاً قدرت‌های هم‌سطح و بزرگ روابط متعامل و توأم با احترام دارند و جدای از رقابت آشکار و نهانی که دارند در سیستم پویای ژئوپلیتیک جهانی در بیشتر مواقع رویکرد آنها به همدیگر مسالمت‌آمیز و متمرکز بر منافع مشترک است. هر چند اختلافات دیرینه ارضی و مرزی، هند و چین کماکان پایدار است؛ اما برخلاف روابط تنشی هند و پاکستان؛ روابط هند و چین در حکم دو قدرت نو ظهور، گرچه جنبه رقابتی دارد، اما به هیچ‌وجه قهرآمیز نیست. اگر چه در گذشته چین با طرح مشکلاتی که هند با آنها روبه‌رو بوده: مانند فقر، زیرساخت‌های ضعیف و یک بروکراسی کند، سعی داشته این کشور را به‌عنوان یک رقیب هم‌پایه کنار بزند، اما اکنون توجه خاص خود را بر تلاش هند برای دستیابی به مقام ابرقدرتی از طریق راه‌های دیپلماتیک و افزایش توان نظامی توسعه می‌بخشد. تحلیل چین از این حیث استوار بر چهار محور است؛ طرح ادعاهای جهانی و منطقه‌ای فزاینده دهلی نو، مدرنیزه شدن دفاعی قابل توجه آن، روابط چشمگیر هند و آمریکا، و ابتکارات جدید منطقه‌ای هند. نویسندگان و تحلیل‌گران چینی همواره این گفته نهر و نقل و قول می‌کنند که: «هند همیشه اول بوده و هرگز نقش دوم در جهان را نخواهد داشت» (یان، ۲۰۰۷).

کسب جایگاه قدرت بزرگ و ایفای نقش کلیدی در صلح و امنیت بین‌المللی است (توحیدی، ۱۳۸۶؛ شفیع، ۱۳۹۱). در این استراتژی، دو کشور پاکستان و چین به لحاظ جنبه‌های رقابت و از حیث بازی‌های قدرتی ژئوپلیتیک، بیشترین تأثیر را در سیاست منطقه‌ای و حتی جهانی هند دارند.

- نخست پاکستان: جنوب آسیا صحنه درگیری‌های پیوسته و ادامه‌دار دو کشور هند و پاکستان از تاریخ استقلال پاکستان (۱۹۴۷ م) از هند تاکنون است. بحران کشمیر تاریخی‌ترین و اصلی‌ترین مسأله مورد اختلاف بین هند و پاکستان است. این بحران ترکیبی پیچیده از مطالبات ملی-قومی، تفاوت‌های مذهبی، تروریسم، خشونت سازمان‌یافته، فساد و ترس فراگیری است که از بدو استقلال پاکستان از هند موجب تقابل دو کشور با یکدیگر گردید. چنانچه مشخص است- آرایش نظامی نیروهای مسلح دو کشور در مرز کنترل منطقه و حملات لفظی و جنگ سردی مقامات دو کشور، به خوبی نشان می‌دهد که این بحران عمیق، دیرپا و چندلایحه هم‌چنان پویا و تأثیرگذاری خود را بر روابط هند و پاکستان حفظ کرده است (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴). به‌طور کلی، اختلافات هند و پاکستان بر سر کشمیر بر تمامی شئون روابط دو کشور تأثیر منفی گذاشته است. همین امر موجب شده که این دو کشور چه در سطح منطقه و چه فراتر از آن، اقدام به یارگیری نمایند. هند با گرایش به سمت آمریکا و پاکستان با چرخش به سمت چین، فضایی دو قطبی در جنوب آسیا شکل داده‌اند که سایر کشورهای این منطقه نیز در حال سازماندهی حول این دو محور هستند (شفیعی و فرجی‌نصیری، ۱۳۹۳).

توسعه گوادر بر نیروی دریایی هند نظارات کامل خود را برقرار کنند. غیر از این، آنها می‌توانند، از طریق گوادر دسترسی خود به آبهای خلیج فارس و تنگه هرمز را مهیا سازند. هم‌چنین، از حیث مزایای اقتصادی پاکستان قادر است زمینه‌های ترانزیت کالا به افغانستان و آسیای مرکزی را تسهیل کند. بدون تردید موفقیت پاکستان در استفاده بهینه از این فرصت در شرایط رقابتی شدید با ایران، تجهیز و توسعه منطقه آزاد گوادر و اتصال ریلی و جاده‌ای سواحل بلوچستان به مرزهای افغانستان است. پاکستانی‌ها معتقدند، در صورت توفیق در پروژه بندر گوادر به دلیل منافع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی این بندر در بلند مدت با حل مشکلات درونی و بیرونی پیچیده خود و دور کردن چابهار از رقابت، حتی قابلیت‌های ترانزیتی بندرعباس را در معرض تهدید قرار خواهند داد (نصیری، ۱۳۸۷). دیگر مزیت قابل توجه و مهم بندر گوادر در مقایسه با چابهار، نزدیکی این بندر به کراچی و اتصال آن از طریق بزرگراه مکران است. هم‌چنین کوتاه‌ترین مسیر مواصلاتی بین گوادر و تاشکند، پایتخت ازبکستان، و گوادر و دوشنبه، پایتخت تاجیکستان، نسبت به چابهار و بندرعباس از لحاظ فاصله از دیگر برتری‌های گوادر است (سعیدی و دیگران، ۱۳۹۱). از طرفی بهره‌برداری سریع‌تر از گوادر با توجه به هم‌مرز بودن چین با آسیای مرکزی، قادر است مزیت‌های دالان ورود به آسیای مرکزی از طریق چابهار را تحت تأثیر قرار دهد. اجمالاً جدای از مزیت‌های و آثار مثبتی که توسعه دو بندر بر همدیگر دارند، توسعه گوادر توسط چین و پاکستان دارای آثار منفی بر مسیر چابهار است.

گوادر مقابل چابهار / موازنه چینی- پاکستانی مقابل موازنه هندی- ایرانی: طرح توسعه بندر دریایی گوادر که از آن به‌عنوان نماد همکاری چینی- پاکستانی یاد می‌شود یکی از بزرگترین پروژه‌هایی است که مزایای فوق‌العاده‌ای برای چین و پاکستان دارد و حتی قادر است بر روابط (سیایی و اقتصادی) کشورهای شرق آسیا، جنوب غرب آسیا و آسیای جنوب شرقی تأثیر گذاری مهمی داشته باشد. پاکستان و چین هر کدام به تناسب اهداف متفاوت و بعضاً هم‌سویی از توسعه و تجهیز گوادر دارند که در اینجا محل بحث نیست؛ ولی مسئله‌ای که اهمیت دارد این است که گزینه هند همواره در قرارداد‌های دوجانبه چین- پاکستان یک اصل انکارناپذیر است. به همین دلیل، برخی معتقدند کمک چین به هند در ساخت بندر گوادر بخشی از «طرح شیطان‌ی چین» در مقابله با افزایش و قدرت نفوذ هند در امور جهان در نظر گرفته شد (فرزین‌نیا، ۱۳۸۸). بندر گوادر آخرین حلقه در استراتژی «زنجیره مرواریدها»، در سیاست محدودسازی و مقابله‌ای چین است. جستجوی چین برای امنیت انرژی با تلاش‌های استراتژیک درازمدت این کشور برای گسترش نفوذ این کشور در منطقه و مقابله با هند گره خورده است. چین در راستای این استراتژی، علاوه بر بندر گوادر، در دیگر مرواریدهایی که شامل تأسیسات دریایی در بنگلادش، میانمار، تایلند، کامبوج و دریای چین جنوبی می‌شوند، نیز حضوری فعال دارد. برای خنثی سازی چنین پیوندهایی، هند نیاز به این دارد که با ژاپن، ویتنام و اعضای آسه. آن که با چین بر سر دریای چین جنوبی اختلاف دارند، پیوند‌های محکمی برقرار کند (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۷). پاکستان و چین، هم‌چنین، قادرند با



شکل ۳: برخی از مزایای نسبی بندر گوادر برای چین (ورود به خلیج فارس، جایگزینی برای بندر شانگهای،

چشم‌پوشی از مسیر پرخطر و طولانی تنگه مالاکا و نظارت بر منطقه واگرای قومی سین کیانگ)

و عمرانی) در افغانستان از جمله مواردی است که باعث وابستگی متقابل منافع ایران و هنداند و به خودی خود زمینه‌های همکاری و تعامل دو سویه دو کشور را فراهم آوردند. ایران می‌تواند با فعال کردن چابهار، صرف نظر از مزیت‌های مرتبت با سیاست خارجی و امنیت بین‌المللی، یک امنیت پایدار را در این منطقه سامان دهد (عسکری کرمانی، ۱۳۹۵).

جایگاه چابهار ایران در وابستگی‌های ژئوپلیتیکی هند: وابستگی ژئوپلیتیکی، عبارت است از وابستگی منافع و اهداف ملی یک کشور و یا یک بازیگر سیاسی به ارزش‌ها و مزیت‌های جغرافیایی کشورها و بازیگران سیاسی دیگر. وابستگی متقابل جغرافیایی، فلسفه همکاری و تعامل بین‌المللی و توسعه و تکامل سیستم سیاسی جهان است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰). بندر چابهار به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مسیر چندین شاهراه مهم بین‌المللی واقع شده است و قابلیت تبدیل شدن به یکی از راهبردی‌ترین موقعیت‌های ترانزیتی را دارد. قرار گرفتن چابهار در کریدور جهانی شمال-جنوب و مناسب‌ترین مسیر برای ورود هند به هارتلند در حال ظهور (آسیای مرکزی)، کشور افغانستان و کشورهای حوزه خزر، باعث وابستگی‌های ژئوپلیتیکی هند به ایران شده است. هم‌چنین که این بندر عضو

سوم ایران: روابط ژئوپلیتیکی ایران و هند از نوع موازنه منافع

از منظر وابستگی‌های متقابل روابط ایران و هند براساس موازنه منافع و نیازمندی‌های مشترک واقع است. به طور کلی زمینه‌های همکاری ایران و هند، متعدد و متنوع است. به همین خاطر است که نه ایران و نه هند هیچ‌کدام قادر به نادیده گرفتن نقش آن یکی در مناسبات و همکاری‌های مشترک دو سویه نیستند. ایران همسایه با واسطه هند (از طریق پاکستان) است (زرزقانی و احمدی، ۱۳۹۵). منفعت استراتژیک هند در رابطه با ایران در راستای سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی این کشور برای معرفی خود به‌عنوان یک قدرت رو به ظهور جهانی نیز هست. هند براساس سیاست نگاه به شرق خود علاقه‌مند به افزایش نفوذ و اثرگذاری در خاورمیانه، آسیای میانه و افغانستان است (فایر، ۲۰۰۷). در این میان ایران می‌تواند در رسیدن هند به اهداف خود در مناطق پیرامونی‌اش بسیار کمک کننده باشد. اجمالاً عواملی نظیر: ملاحظات و نگرانی‌های مشترک امنیتی، منافع مشترک در حوزه انرژی، موقعیت مناسب ایران در دسترسی هند به افغانستان و آسیای مرکزی، نقش بندر دریایی چابهار در کریدور شمال-جنوب، منافع و مشارکت (استراتژیکی، اقتصادی

بنادر دریایی (چابهار)، ساخت مسیرهای کریدوری، جاده‌ای و ریلی، ایران را یاری می‌کند و ایران نیز به مثابه یک دالان دریایی مسیر هند به آسیای میانه و افغانستان را هموار می‌سازد. بنابراین در این معامله پایاپای هم ایران موقعیت بی‌همتای کریدوری خود را بسط می‌دهد و هم هند با انتخاب مسیری (امن، کوتاه و به‌صرفه) غیر از مسیر رقیب و دشمن دیرینه‌اش پاکستان (زرقانی و احمدی، ۱۳۹۵)، به اهداف مورد نظرش می‌رسد.

دو سازه‌ی منطقه‌ای یعنی سازه‌ی دریای عمان و سازه‌ی اقیانوس هند است و می‌تواند به سه قاره آفریقا، آسیا و اقیانوسیه ارتباط برقرار کند (حافظنیا و همکاران، ۱۳۸۶). بی‌دلیل نیست که از چابهار به‌عنوان «دروازه‌ی بزرگ: Great Gate» به کشورهای محصور افغانستان و دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع یاد می‌شود. از این حیث منافع هند (در ورود به کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان و حتی کشورهای حاشیه خزر) کاملاً به مسیر کریدوری چابهار وابسته است. در لابه‌لای این وابستگی متقابل، هند در ساخت و توسعه

جدول ۱: توانمندی و فرصت‌های راهبردی منطقه و بندر آزاد چابهار در سطوح منطقه‌ای و جهانی، مأخذ: احمدی و احمدی، ۱۳۹۶

۱	برخورداری از موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی و ژئوپلیتیکی (دروازه‌ای و کریدوری)، ژئوآکونومیکی و ژئواستراتژیکی
۲	اولین بندر ورودی به آب‌های جمهوری اسلامی ایران و دسترسی به آب‌های اقیانوسی
۳	تنها بندر کشور در ورود به تنگه هرمز و متصل به آب‌های آزاد (دروازه ورود به خلیج فارس)
۴	قرارگیری در مسیر ترانزیت راهبردی شمال - جنوب با مزایای فراوان این کریدور
۵	همجواری با کشورهای پاکستان و افغانستان و قرار گرفتن در مسیر دسترسی به آب‌های آزاد جهان برای کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی و افغانستان
۶	به دلیل نقش ارتباطی ایران در همه زمینه‌ها بویژه نقش ساحل عمان در پروژه‌های انتقال انرژی و کالا و خطوط ریلی، ایران می‌تواند به ساماندهی نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی بپردازد و ضمن منزلت بخشی ژئوپلیتیکی خود در منطقه و جهان فرصت‌های جدیدی را برای تضمین امنیت ملی خود تولید نماید.
۷	توجه روسیه به دسترسی به خلیج فارس در جهت موازنه قدرت با آمریکا در منطقه‌ی خلیج فارس و دریای عمان
۸	موقعیت سوق الجیشی بندر چابهار نسبت به سایر بنادر کشور، منطقه و حتی جهان
۹	کرانه‌های ساحلی ایران در اقیانوس هند، آن را به عنوان عضو موثری در سازمان منطقه‌ای همکاری‌های اقتصادی کشورهای اقیانوس هند مرکب از قاره‌های آفریقا، آسیا و اقیانوسیه در می‌آورد
۱۰	صرفه اقتصادی نسبت به سایر بنادر رقیب (گوادر پاکستان) با توجه به کوتاهی مسیر و امنیت مسیر
۱۱	قرار گرفتن در بریدگی طبیعی خلیج چابهار و ایمنی آن از جریان‌های شدید اقیانوسی
۱۲	از سه کریدور مهم جهان، دوتای آنها از ایران می‌گذرد. یکی از اینها کریدور شمال - جنوب است. چابهار در مسیر این کریدور محل اتصال بسیاری از مناطق (مستقیم و غیر مستقیم) حمل و نقل دریایی است

ترانزیتی کشورهای شمال اروپا، اسکاندیناوی و روسیه را از طریق ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس، حوزه اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا برقرار می‌سازد (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰). در شهریورماه ۱۳۷۹، زمانی که موافقتنامه‌ی کریدور شمال - جنوب در سن‌پترزبورگ میان وزرای حمل‌ونقل سه کشور ایران، هند و روسیه به امضاء رسید، چابهار

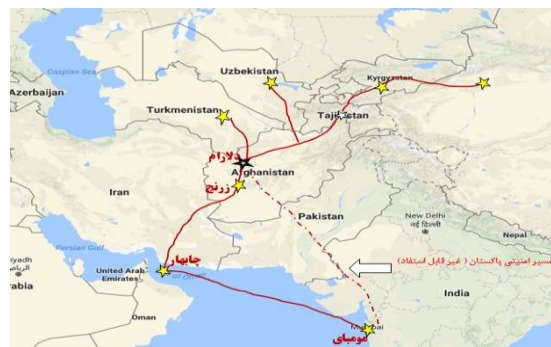
هند و اهمیت چابهار در کریدور شمال - جنوب: کریدور شمال - جنوب از بندر بمبئی در حوزه اقیانوس هند آغاز و از طریق دریا به بندرعباس در جنوب ایران متصل می‌شود. این کریدور که بخش مهمی از آن از خاک ایران می‌گذرد در حال حاضر کوتاه‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و سریع‌ترین مسیر ترانزیت کالا بین آسیا و اروپا به شمار می‌رود. هم‌چنین این کریدور، ارتباط

ارزان‌ترین و امن‌ترین مسیر دسترسی این کشورها به جهان بیرون است (زرگر، ۱۳۸۶). از طرفی، بازرگانی دریایی هند در حال حاضر از بندرهای گرجستان و اوکراین استفاده می‌کند که با پیمودن صدها کیلومتر راه خشکی از روسیه با آسیای مرکزی میسر می‌شود. هم‌چنین، از آن جایی که بخش اعظمی از نفت هند از تنگه مالاکا جابه‌جا می‌شود، مسیر مستعدی است برای دزدی دریایی و تروریسم است. پس کرانه‌های ایرانی مکران در دریای عمان قادر است به‌عنوان پل سرزمینی ارتباط دهنده‌ی خزر-آسیای مرکزی به اقیانوس هند، نقش محوری در روابط بازرگانی هندوستان با آن منطقه را بر عهده بگیرد. به‌طور کلی مسیر ایران برای ورود به آسیای مرکزی برای هند به چند دلیل حائز اهمیت است:

- ۱- دستیابی به منابع سرشار انرژی آسیای مرکزی
- ۲- دسترسی آسان، مقرون و به صرفه بودن از طریق مسیر کریدوری ایران
- ۳- هم‌سو شدن و اتحاد دو کشور در جهت مبارزه با تروریسم
- ۴- حفظ توازن قوا با دو کشور همسایه (پاکستانی به‌عنوان دشمنی دیرینه و چین به‌عنوان رقیبی قدرتمند) (کولایی و تیشه یار، ۱۳۹۰).

به‌عنوان بندری استراتژیک در این کریدور معرفی شد. سه کشور روسیه، ایران و هند کریدور شمال-جنوب را برای گسترش روابط اقتصادی و گسترش همکاری‌های خود با کشورهای آسیای مرکزی و پیوند دهنده میان آسیای مرکزی و جنوب آسیا مد نظر دارند (رمضانی بونش، ۱۳۹۴). در این کریدور بندر چابهار و راه‌های زمینی اتصال آن به مرز ترکمنستان، کوتاه‌ترین مسیر حمل‌ونقل زمینی کالا در کریدور شرق و شاهراه تغذیه کشورهای آسیای میانه معرفی گردیده است. هزینه‌ی حمل کالاهای ترانزیتی از طریق کریدور شمال-جنوب، نسبت به سایر مسیرهای سنتی، تا ۴۰٪ کوتاه‌تر و تا ۳۰٪ ارزان‌تر از مسیر کانال سوئز است (سینگ‌روی، ۲۰۱۲).

ایران دالان ورود هند به آسیای مرکزی: در باب اهمیت مسیر ایران جهت ورود هند به آسیای مرکزی باید خاطر نشان کرد، ایران تنها راه دسترسی هند از نظر ژئوپلیتیکی به آسیای مرکزی است؛ زیرا از یک طرف ایران از طریق مرز مستقیم زمینی (مرز مشترک با ترکمنستان) و دریایی (قزاقستان و ترکمنستان در دریای خزر) با آسیای مرکزی ارتباط دارد و از طرفی ایران رقابت ژئوپلیتیک آشکاری با هند چه در سطح منطقه و چه در سطح جهانی در این منطقه ندارد. مسیر ایران کوتاه‌ترین،



شکل ۴: دالان ایران در ورود هند به افغانستان و آسیای مرکزی

کشورهای آسیای میانه در طول دوره مورد بررسی افزایش قابل توجهی خواهد داشت و از ۱۵۰ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۱ به ۲۶۰ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۲۰ و در نهایت ۳۱۵ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۳۵ افزایش خواهد یافت (آژانس انرژی ایالات متحده، ۲۰۱۱). هند در زمره یکی از بزرگترین کشورهای مصرف کننده‌گان انرژی است. میزان تقاضای جهانی انرژی هند براساس گزارش بی.پی، در سال ۲۰۱۵، ۲/۶٪ بوده است. این میزان تقاضای انرژی مصرفی هند از حد متوسط جهانی هم بیشتر است (نفت بریتانیا، ۲۰۱۵). هند از حیث تأمین انرژی در تنگنا است. هند رتبه‌ی بیست‌وپنجم را در زمینه‌ی ذخایر گازی طبیعی و رتبه بیست‌وسوم را در زمینه ذخایر نفت خام در جهان داراست. در هند زغال سنگ بیش از ۵۳٪، عمده‌ترین تأمین کننده انرژی مصرفی است. هم‌چنین نفت خام با سهمی معادل ۲۹٪ دومین منبع انرژی این کشور است (کولایی و تیشه‌یار، ۱۳۹۰). بر این اساس هند به منظور تداوم رشد اقتصادی ۷/۵٪ خود، به واردات انرژی از آسیای میانه نیاز مبرم دارد.

۲- تروریسم و افراطی‌گری: بسیاری از گروه‌های آسیای مرکزی، مانند حزب‌النصرت، حرکت اسلامی ازبکستان، حزب التحریر اسلامی و زیرشاخه‌های آن نظیر گروه اکریمی و سایر جنبش اسلامی آسیای مرکزی، از چالش‌های اساسی سیاست خارجی هند در منطقه آسیای مرکزی‌اند. این گروه‌ها عمدتاً در کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، فعالیت می‌کنند (علویان و کوزه‌گر کالچی، ۱۳۸۸). هند بیم آن را دارد که گسترش این گروه‌ها و همراهی آنها با طالبان باعث افزایش فشار بر کشمیر و دسترسی استراتژیک پاکستان به دروازه‌های

اهمیت آسیای مرکزی برای هند: عموماً به جهت اهمیت آسیای مرکزی در قرن نوزدهم، رقابت‌هایی برای کسب منابع این قلمرو بین روسیه و انگلیس وجود داشت که «بازی بزرگ» معروف شد. اما در طول تمام قرن بیستم و تا اوایل دهه ۱۹۹۰ م. به دلیل اینکه بخش عظیمی از قلمروی آسیای مرکزی در قالب اتحاد جماهیر شوروی قرار داشت، این منطقه چندان مورد توجه نبود، اما با فروپاشی شوروی، این منطقه به دلیل قدمت تاریخی و در بر گرفتن جاده ابریشم، منابع غنی انرژی و پل ارتباطی بین آسیا و اروپا بسیار مورد توجه قرار گرفت (رضایی و جهانیان، ۱۳۹۴). در واقع پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای آسیای مرکزی، به خوبی در جامعه بین‌المللی شناخته شده‌اند، و نقش خود را در چشم‌انداز اقتصادی و سیاسی بین‌المللی افزایش داده‌اند. به‌طور کلی، اهمیت آسیای مرکزی را برای هند را از دو حیث تأمین انرژی مورد نیاز هند و امنیت می‌توان مورد توجه قرار داد.

۱- وابستگی‌های انرژی هند به آسیای مرکزی: منطقه‌ی آسیای مرکزی یکی از حوزه‌های مهم انرژی محسوب می‌شود. این منطقه که حول دریای خزر واقع شده است به مثابه قلب و روح ژئوپلیتیک جهانی است. بی‌شک در حال حاضر، به دلایل نیازهای بارز جهانی به منابع انرژی، وجود این منابع، بیش از هر چیز دیگری به این منطقه جذابیت بخشیده است. این منطقه در کمترین تخمین ۱۷/۲ و در بیشترین ۴۹/۷ میلیارد بشکه ذخایر شناخته شده و یا ۵٪ از کل ذخایر جهانی نفت و ۶/۶۵ تریلیارد مترمکعب یا ۳/۸٪ کل ذخایر جهانی گاز را دارد (نفت بریتانیا، ۲۰۱۱). براساس پیش‌بینی‌های آژانس انرژی ایالات متحده، تولید گاز طبیعی

آسیای مرکزی شود (سینگ‌روی، ۲۰۰۱). نکته اصلی این است که پایگاه بسیاری از این سازمان‌های ستیزه‌گر در مناطق قبیله‌ای پاکستان و کشمیر آزاد است. بنابراین ارتباط گروه‌های افراطی در پاکستان با گروه‌های اسلامی آسیای مرکزی به مثابه یک تهدید برای منافع هند در آسیای مرکزی است. به همین خاطر ملاحظات ژئواستراتژیک از سوی هند در جهت جلوگیری از محاصره شدن توسط کشورهای اسلامی که در ارتباط نزدیک با سیاست‌های پاکستان است، می‌تواند یکی از انگیزه‌های مهم هند در نزدیک شدن به ایران و تمایل به همکاری با این کشور در آسیای مرکزی تلقی شود (ثقفی‌عامری، ۱۳۷۳).

اهمیت مسیر ایران در اتصال هند به افغانستان: افغانستان به‌عنوان کشوری محصور در خشکی و فقیر از نظر منابع هیدروکربن و ذخایر اثبات شده گاز طبیعی و نفت از لحاظ منابع فسیلی، وضعیت ضعیفی دارد؛ اما آنچه که به اهمیت ژئواستراتژیک دو قرن گذشته افغانستان افزوده، موقعیت جغرافیایی این کشور، در بازی بزرگ جدید (قرار گرفتن در سرزمین حاشیه و سرزمین قلب) است (کولایی و ایمانی کله‌سر، ۱۳۹۳). این مسئله را هند به خوبی درک کرده است. مضاف بر اینکه، روابط افغانستان با هند و ایران، مطلوب و رو به جلو می‌باشد. از این سو نیز، به واسطه‌ی دشمنی هند و پاکستان، و اختلافات پاکستان و افغانستان (بر سر مرز دیورند)؛ مسیر ایران (چابهار)، در ورود هند به افغانستان اهمیت مضاعف می‌یابد. درحقیقت، ایران، تنها مسیر ورود هند به افغانستان است. اجمالاً اهمیت افغانستان برای هند، در استفاده از مسیر ایران، به شرح زیر است:

۱- ورود به آسیای مرکزی از طریق مسیر چابهار- افغانستان: هند در نظر دارد تا از طریق بندر

چابهار ایران که با منطقه مرزی زرنج افغانستان در ارتباط است، رابطه تجاری خود را با تجارت افغانستان و بازار این کشور گسترش دهد. هم‌اکنون کالاهای هند از طریق راه مبادلاتی چابهار- بم- زرنج- دلارام به شاهراه شمال- جنوب افغانستان توزیع می‌شود. تکمیل مسیر دلارام- زرنج موجب شده است که مسیر چابهار به آسیای میانه ۱۵۰۰ کیلومتر کوتاه‌تر شود (دیتل، ۲۰۱۲). با ساخت بزرگراه چابهار- زابل- دلارام- زرنج، دسترسی افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی به دریا تا حدودی میسر می‌شود. اجمالاً هند با درک ضعف افغانستان در ایفای نقش ارتباطی، در تلاش است که با وارد کردن کابل به معادلات آسیای جنوبی، زمینه‌ی نفوذ خود در این کشور را مهیا کند و بدین وسیله از موقعیت ارتباطی افغانستان به آسیای مرکزی نهایت استفاده را ببرد (وثوقی و هم‌کاران، ۱۳۹۳).

۲- استراتژی هژمون منطقه‌ای مقابل چین و پاکستان: هدف اصلی هند از پی‌ریزی مشارکت استراتژیکی با افغانستان را می‌توان خروج از حصار تنگ منطقه‌ی جنوب آسیا و دستیابی به هژمونی منطقه‌ای نام برد. مخصوصاً اینکه، هند و افغانستان به دلیل وجود رقیب مشترک، یعنی پاکستان، روابط خوبی با یکدیگر دارند (وثوقی و دیگران، ۱۳۹۳). پی‌ریزی مشارکت استراتژیک با افغانستان می‌تواند هند را در دستیابی هدف اصلی خود در جنوب آسیا که همان هژمون منطقه‌ای است، یاری دهد. چرا که مشارکت استراتژیک هند با افغانستان، «عمق استراتژیک» این کشور را تا آسیای مرکزی گسترش می‌دهد؛ که نه تنها از محاصره‌ی هند، توسط چین و پاکستان جلوگیری می‌کند، بلکه باعث محاصره و مهار پاکستان شده و فشارهای مضاعفی را بر

امنیت برای انتقال انرژی و پیشبرد صلح و امنیت جهانی، در کنار برخی از کشورهای منطقه و آمریکا تغییرهای بلندمدت اجتماعی-ایدئولوژیکی، را مورد نظر قرار داده و بهبود وضعیت اقتصادی کشور جنگ‌زده افغانستان را در اولویت قرار داده‌اند. هند نیز به‌نو به خود و به‌عنوان قدرتی آسیایی از ارائه سهم خود برای صلح و ثبات منطقه دریغ نمی‌ورزد (کولایی و ایمانی کله‌سر، ۱۳۹۳). هم‌اکنون نیز گسترش تروریسم، در افغانستان از ناحیه طالبان و با حمایت‌های پاکستان یکی از نگرانی‌های اصلی هند است. لذا هند سعی دارد با نفوذ حداقلی در افغانستان جهت نظارت بر اقدامات ضد امنیتی پاکستان و گروهایی ضد هندی و طالبان، بر این بحران تا حدودی فائق آید.

اهمیت مسیر ایران در اتصال هند به کشورهای حاشیه خزر: یکی از نزدیک‌ترین مناطقی که هند می‌تواند انرژی وارد کند، منطقه دریای خزر است. دریای خزر با داشتن بیش از ۴۰ میلیارد بشکه نفت، از نظر اندازه ذخایر نفت نسبت به خلیج فارس دوم است (آژانس انرژی ایالات متحده، ۲۰۱۴). هم‌چنین، از منظر گاز طبیعی، نقش ژئواکونومیک دریای خزر با حدود ۹۰ تریلیون متر مکعب ذخایر این محصول، به مراتب افزایش یافته است. به گزارش آژانس انرژی ایالات متحده با افزایش بهره‌برداری گاز طبیعی دریای خزر، در آینده نزدیک، این منطقه کانون گاز طبیعی خواهد بود (منشور انرژی، ۲۰۱۳). به‌طور اجمالی، منطقه خزر حدود ۳٪ از تولیدات نفت جهان و ۳٪ از تولیدات گاز طبیعی جهان را دارد. در سال ۲۰۱۰ میلادی بیش از ۲/۵ میلیون بشکه نفت در هر روز در منطقه خزر تولید شده، و منابع گاز طبیعی آن ۱۰۰ میلیارد متر مکعب برآورد شده است. این موضوع ظرفیت عظیمی را

این کشور وارد می‌سازد (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۱). ضمن اینکه، از این طریق نیز تا حدودی از فشار حلقه محاصره توسط چین کاسته می‌شود.

۳-اهداف عمرانی و اقتصادی: به دلیل سال‌ها بحران و جنگ، افغانستان در وضعیت بدی از نظر اقتصادی قرار دارد. بر طبق آمار بانک جهانی در آوریل ۲۰۱۵، طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲ م رشد اقتصادی افغانستان ۳/۲٪ بوده، که همین مقدار رشد اندک، نیز روند نزولی داشته و در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴، رشد این کشور تنها ۲٪ بوده است. تولید ناخالص ملی افغانستان نیز طی روند نزولی در سال ۲۰۱۱، از ۱۱/۶٪ به ۸/۴٪ در سال ۲۰۱۴ رسید (بانک جهانی، ۲۰۱۵). تا کنون هند، بیش از ۱/۲ میلیارد دلار برای کمک‌های عمرانی، بازسازی و بشردوستانه در افغانستان هزینه کرده است؛ ساخت مدرسه، بورس ۱۰۰۰۰ دانشجوی افغانی، ساخت بزرگراه، سد، نیروگاه‌های برقی و غیره تنها گوشه‌ای از فعالیت‌های عمرانی هند در افغانستان است. بی‌جهت نیست که حجم تجارت هند و افغانستان در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴، بالغ بر ۶۸۰ میلیون دلار بوده است (حیدری، ۲۰۱۵). در کل افغانستان بازار جذابی برای اهداف عمرانی و اقتصادی هند است.

۴-مبارزه با تروریسم و افراطی‌گری: تهدیدهای ناشی از عناصر افراط‌گرایی اسلامی پاکستان و افغانستان نگرانی‌های امنیتی منطقه‌ای هند بوده است. سابقاً هند در کنار ایران، روسیه، آمریکا و چین از نیروهای ضد طالبانی [ائتلاف شمال] به رهبری احمدشاه مسعود در برابر طالبان (به رهبری ملا محمد عمر) و القاعده (به رهبری اسامه بن‌لادن) حمایت‌های تسلیحاتی و تجهیزاتی می‌کرد. امروزه نیز هند، به‌منظور ایجاد

برای سودآوری اقتصاد ایجاد می‌کند. میزان ذخایر نفت و گاز منطقه خزر بنابر آخرین آمار دو موسسه‌ی بین‌المللی (نفت بریتانیا، ۲۰۱۵؛

آژانس انرژی ایالات متحده، ۲۰۱۴)؛ در جدول ۱ و ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: حجم کل ذخایر اثبات شده و احتمالی خزر، مأخذ: آژانس انرژی ایالات متحده، ۲۰۱۴

کشور	تولید (میلیارد متر بشکه)	ذخایر (تریلیون متر مکعب)
ایران	۵۲۴/۱	۶/۰۹۶
جمهوری آذربایجان	۵۹۰/۲	۵۴۴/۱۵
روسیه	۸۵۹/۱	۲۲۳/۳۳
قزاقستان	۵۰۹/۹	۶۹۹/۳۱
ترکمنستان	۵۷۹/۰	۷۹۱/۵
جمع کل	۶۹۱/۱۶	۸۹/۰۰۱

جدول ۳: اطلاعات گاز طبیعی آسیای میانه و قفقاز-۲۰۱۴ (میلیارد متر مکعب). مأخذ: نفت بریتانیا، ۲۰۱۵

کشور	تولید (میلیارد متر مکعب)	ذخایر (تریلیون متر مکعب)
جمهوری آذربایجان	۱۶/۹	۱/۲
روسیه	۱۹/۳	۱/۵
قزاقستان	۶۹/۳	۱۷/۵
ترکمنستان	۵۷/۳	۱/۱
جمع کل	۱۶۲/۸	۲۱/۳

شمال-جنوب منجر شد، مورد بهره‌برداری چندانی قرار نگرفته است. هند از مسیر بندر چابهار و شبکه‌های جاده و راه‌آهن ایران می‌تواند به هر دو طرف دریای خزر دسترسی یابد. خط‌آهن سرخس-تجن که در ۱۳ می ۱۹۹۶ م به‌طور رسمی افتتاح شد، بنادر و شبکه راه‌آهن جنوب ایران را به ترکمنستان و منطقه شرق دریای خزر مرتبط می‌کند (کولایی و ایمانی کله‌سر، ۱۳۹۳). شبکه‌های بزرگ‌راه‌ها و جاده‌های ایران هم‌چنین دسترسی هند به غرب دریای خزر را از چندین نقطه و از طریق جمهوری آذربایجان و ارمنستان امکان‌پذیر ساخته است. در سال ۲۰۰۵ م. ایران جاده ۱۲۵ کیلومتری دوغارون-هرات را با هزینه ۴۳ میلیون دلار تکمیل و اعلام کرد راه‌آهن ۱۷۶ کیلومتری

چنانچه هند بخواهد سیاست منطقه خزر و منافع انرژی خود را گسترش دهد، توسعه روابط با ایران غیر قابل اجتناب خواهد بود (کولایی و ایمانی کله‌سر، ۱۳۹۳). با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، ایران بهترین مسیر برای صادرات هند به منطقه خزر و نیز واردات انرژی از این منطقه است، چرا که هیچ‌یک از سه گزینه دیگر این کشور؛ مسیر رقیب و دشمن تاریخی و سنتی-چین و پاکستان و افغانستان از نظر بی‌ثباتی نامناسب‌اند. نه مسیر دشوار «له-کاشغر» و نه مسیر غیر عملی افغانستان-پاکستان، نمی‌توانند مانند مسیر ایران مناسب هند باشند. اما در این زمینه هم، ظرفیت‌های موافقت‌نامه سن‌پترزبورگ که در سال ۲۰۰۰ بین روسیه، ایران و هند امضا و به ایجاد راهروی

وارداتی و صادراتی ترغیب ساخته و یکی از برگ‌های برنده ایران خواهد شد (کوکرا، ۲۰۰۶). در پاییز ۱۳۹۳ با حضور رؤسای جمهوری ایران، ترکمنستان و قزاقستان خط آهن قزاقستان و ترکمنستان به ایران وصل شد و گامی بلند برای بهره‌برداری از موقعیت جغرافیایی ایران برداشته شد.

از ایران به هرات افغانستان را خواهد ساخت. جز خط آهن سرخس-تجن، ایران راه آهن ۱۰۰۰ کیلومتری بافق-مشهد را در سال ۲۰۰۴ م. تکمیل کرد که سفر از آسیای مرکزی به خلیج فارس را دو روز کوتاه‌تر می‌کند. تکمیل یک شبکه راه آهن پیشرفته و کارآمد، روسیه، چین، هند و جمهوری‌های حاشیه دریای خزر را به استفاده از مسیر ایران برای حمل‌ونقل کالاهای



شکل ۵: دالان ایران در ورود هند به کشورهای حوزه خلیج فارس

است. هند نیز به‌عنوان یک قدرت نوظهور، در راستای منافع خاص و برقراری توازن با سایر رقبای، توجه ویژه‌ای به ژئوپلیتیک کم‌نظیر ایران و مسیرهای دریایی کریدوری آن دارد. باید توجه داشت، ایران تنها راه دسترسی هند به آسیای مرکزی است، زیرا ایران مرز مستقیم زمینی (مرز مشترک با ترکمنستان) و دریایی (قزاقستان و ترکمنستان در دریای خزر) با آسیای مرکزی دارد. و این به مفهوم دسترسی آسان هند از طریق ایران به بازارهای انرژی آسیای مرکزی و کشورهای حوزه دریای خزر است. در بعد امنیتی نیز، ایران و هند هر دو نگران رشد تروریسم در آسیای مرکزی‌اند. درحقیقت از این نگاه، توجه به محیط آسیای مرکزی برای دو کشور یک

نتیجه‌گیری

توجه هند به بندر چابهار ایران، در راستای تفکر یک قدرت در حال ظهور است. همان‌طور که بحث شد، چابهار یک مکان جغرافیایی با ارزش و وزن ژئوپلیتیکی قابل توجهی است که می‌تواند از سه منظر اقتصادی، سیاسی و امنیتی برای هند حائز اهمیت باشد. از این حیث موقعیت استراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران مورد توجه کشورهای بزرگ جهان و از جمله هند بوده و هست. موقعیت مناسب ریلی و جاده‌ای و دسترسی ایران به سواحل طولانی در خلیج فارس، دریای عمان و سواحل خزر در سال‌های اخیر، توجه بسیاری از تولیدکنندگان بزرگ اقتصادی جهان را به خود جلب کرده

حوزه خزر، نیز در ردیف تفکر اقتصادی رو به رشد و نیازمندی‌های انرژی هند قابل بحث است. باید توجه داشت، منطقه ژئوپلیتیکی خزر دومین منبع تأمین انرژی پس از خلیج فارس است که می‌تواند بازار مناسبی برای تأمین انرژی هند باشد. اجمالاً به صورت عام ایران با توجه به موقعیت مطلوب ژئوپلیتیک (به مثابه ژئوپلیتیک دسترسی) و موقعیت برجسته ژئواکونومیک (به خصوص ذخایر نفت و گاز) و موقعیت برتر سیاسی در خاورمیانه کشوری است که در نگاه آینده هند ارزش برقراری روابط راهبردی گسترده را دارد. به صورت خاص چابهار به عنوان جدیدترین بندر ایران و استراتژیک‌ترین بندر برای هند این توان را دارد که بسیاری از نیازهای (اقتصادی، سیاسی، استراتژیکی) این کشور را مرتفع سازد و از طرفی توازن ژئوپلیتیکی حداقلی هند را مقابل چین و پاکستان برقرار کند. به صورت کلی اشتراک در منافع و وابستگی در اغلب زمینه‌ها (سیاسی، امنیتی، اقتصادی و...)، به حدی است که باعث خواهد شد هند و ایران در آینده روابط رو به رشد و همگرایی را تجربه کنند.

-بزرگمهری، م. و میرزایی، م.، ۱۳۹۶. حضور چین در خلیج فارس، پیامدهای سیاسی و استراتژیک، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌الملل، شماره ۳۱، ص ۱-۳۵.
-توحیدی، ا.، ۱۳۸۶. رویکرد نوین سیاست خارجی هند، مرکز تحقیقات راهبردی مصلحت نظام، ۱۷ فروردین.
-ثقفی عامری، ن.، ۱۳۷۳. ایران، هند و آسیای مرکزی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۴.

ضرورت دفاعی و یک راهبرد پیشگیرانه است. قابل یادآوری است که ایران، رقابت ژئوپلیتیک آشکاری با هند چه در سطح منطقه و چه در سطح جهانی در آسیای مرکزی ندارد؛ بنابراین، نبود رقابت ژئوپلیتیکی و هم‌نوایی منافع میان دو کشور باعث خواهد شد حضور هند در آسیای مرکزی در تضاد با منافع ملی ایران قرار نگیرد. به‌طور کلی، توجه به آسیای مرکزی در راهبرد بلند مدت هند از سه بعد انرژی، امنیت و اقتصاد قابل تبیین است. این مهم در مورد اهداف ورود هند به افغانستان نیز صادق است. مهم‌ترین هدف امنیتی هند در افغانستان، در درجه نخست نظارت بر طالبان و احتمالاً اقدامات ناسازگار و ضد امنیتی پاکستان در افغانستان [بر علیه منافع هند] است. این نگرانی (از ناحیه گروه‌های تندرو در افغانستان) در مورد ایران هم صادق است. از حیث اقتصادی، هند در ردیف یکی از اصلی‌ترین کشورهای است که علاقه‌مند به داد و ستد و سرمایه‌گذاری کلان در افغانستان است. منتها با وجود آشتی‌ناپذیری هند و پاکستان، ایران تنها مسیر ورود هند به افغانستان است. واقع ایران همسایه با واسطه هند با افغانستان است. نیاز به مسیر ایران برای ورود به کشورهای

منابع

-احمدی، س. ع. و احمدی، ا.، ۱۳۹۶. بررسی توانمندی‌های راهبردی، منطقه آزاد چابهار در راستای وزن ژئوپلیتیکی و قدرت ملی ایران (از سه منظر داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی)، فصلنامه راهبرد، سال بیست‌وششم، شماره ۸۳، ص ۲۶۲-۲۳۵.
-اخوان کاظمی، م. و عزیزی، پ.، ۱۳۹۲. تحلیل اقتصاد سیاسی توسعه در هند، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال پنجم، شماره ۱۴، ص ۷-۳۲.

-سلطانی‌نژاد، م.، ۱۳۹۵. روابط ایران و هند - تحلیلی بر یک مشارکت استراتژیک ناتمام، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، دوره ۲، ص ۸۷-۱۱۵.

-سعیدی، ن. و همکاران، ۱۳۹۱. مقایسه تطبیقی مزیت‌ها و قابلیت‌های بنادر گوادر پاکستان و چابهار ایران با محوریت ترانزیت، چهاردهمین همایش صنایع دریایی، تهران، انجمن مهندسی دریایی ایران.

-شفیعی، ن. و فرجی‌نصیر، ش.، ۱۳۹۳. ترتیبات سیاسی-امنیتی در جنوب آسیا و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا. ایران، فصلنامه سیاست پژوهی، سال اول، شماره ۱، ص ۹-۳۱.

-شفیعی، ن.، فرجی‌نصیر، ش. و متفی، ا.، ۱۳۹۱. رویکرد هند در قبال افغانستان پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ (با نگاه به ایران)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره ۲، ص ۱۲۵-۱۵۲.

-شریعتی‌نیا، م.، ۱۳۸۷. آینده محیط امنیتی آسیا؛ متغیرهای تأثیرگذار، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۷، ص ۳۹۷-۴۰۷.

-عسکری‌کرمانی، ح.، ۱۳۹۵. چابهار و منطقه، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره ۱، ص ۹-۱۷.

-علویان، م. و کوزه‌گرکالچی، و.، ۱۳۸۸. سیاست جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی؛ بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۴۶، ص ۶۳-۹۲.

-کولایی، ا. و کله‌سر، م.، ۱۳۹۳. سیاست انرژی هند در منطقه دریای خزر؛ مروری انتقادی، فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌المللی، دوره اول، شماره ۲، ص ۱۱۷-۱۴۱.

-جانسیر، ا. و بهرامی‌مقدم، س.، ۱۳۹۵. عروج زیستمان‌های بدیل و ظهور اقتصادی هند در سیاست بین‌الملل، فصلنامه سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره ۲.

-حسین‌پورپویان، ر.، ۱۳۹۲. تبیین مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی روابط در مناطق ژئوپلیتیکی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال نهم، شماره ۲، ص ۱۶۱-۲۰۳.

-حافظ‌نیا، م.ر.، ۱۳۹۰. اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ سوم، مشهد: انتشارات پاپلی.

-حافظ‌نیا، م.ر.، شمس‌دولت‌آبادی، م. و افشردی، م.ح.، ۱۳۸۶. علایق ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی و فرصت‌های پیش‌رو، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره ۳، ص ۷۹-۱۱۹.

-خلیلی، م.، منشادی، م. و آزمود، ف.، ۱۳۹۰. بایستگی‌های ژئواکونومیک توسعه منطقه جنوب شرق ایران، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ۴، ص ۸۱-۱۲۴.

-رضائی، م. و جهانیان، ش.، ۱۳۹۴. امنیت منطقه‌ای در قلمروی اوراسیا و جایگاه ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۸۲، ص ۷۷-۱۱۶.

-رمضانی‌بونش، ف.، ۱۳۹۴. اهداف چند بعدی پاکستان در روابط با ترکمنستان و قرقیزستان، منتشر شده در مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ۱۷ خرداد.

-زرقانی، س.ه. و احمدی، ا.، ۱۳۹۵. تحلیل ژئوپلیتیک روابط ایران و هند در چارچوب وابستگی‌های متقابل، پژوهش نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال چهارم، شماره ۲، ص ۸۵-۵۵.

-زرگر، ا.، ۱۳۸۶. همگرایی و واگرایی در روابط ایران و هندوستان، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۷.

سیاست، دوه سی و هشتم، شماره ۳، ص ۳۴۹-۳۷۸.

-محمدی، ح.ر. و احمدی، ا.، ۱۳۹۴. ژئوپلیتیک ایران و پاکستان (زمینه‌های هم‌گرایی و واگرایی منطقه‌ای)، چاپ اول، تهران، نشر انتخاب.
-وٹوقی، س.، فلاحی، ا. و حیدری، ق.ع.، ۱۳۹۳. تبیین جایگاه افغانستان به‌عنوان کانون چند زیر سیستم منطقه‌ای با تأکید بر منطقه آسیای جنوبی و نقش هندوستان، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۷، ص ۱۴۹-۱۷۷.

-BP., 2015. Statistical Review of World Energy, 64th Edition, Available at: <http://www.bp.com/statisticalreview=Bps> tate, [Accessed on: 7/3/2016].

-BP., 2011. Statistical Review of World Energy, June 2011.

-Dietl, G., 2012. India's Iran Policy in the Post-Cold War Period, Strategic Analysis, v. 36(6), p. 871-881.

-Dwivedi, R.L., 2004. Fundamentals of Political Geography, Publisher: Catania Publishing House- Allahabad.

-Dougherty, J. and Pfaltzgraff, R., 2001. Contending Theories of International Relations: a comprehensive, Survey, New York and Other Places: Longman.

-EIA., 2014. Petroleum and Other Liquid, August 6, Us Energy Information Administration [EIA], Available at: <http://www.eia.gov/petroleum/>, [Accessed on: 25/5/2016].

-Energy Charter., 2013. The Energy Charter Treaty, [8/3/2016], Available from: <http://www.energycharter.org/process/energy-charter-treaty-1994/energy-charter-treaty/>.

-Frankel, F.R., 2015. India's Green Revolution: Economic Gains and Political Costs, Princeton University Press.

-کولایی، ا. و تیشیه‌یار، م.، ۱۳۹۰. برسی نظری رهیافت‌های امنیت انرژی هند در آسیای مرکزی، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ۲، ص ۱۸۴-۱۶۱.

-فرزین‌نیا، ز.، ۱۳۸۸. روابط هند و چین؛ همکاری و رقابت، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۵، ص ۴۶-۱۵.

-نصیری، ح.، ۱۳۸۷. بررسی موقعیت ایران و کشورهای رقیب در مبادلات جهانی - منطقه‌ای (با تأکید بر توسعه‌ی محور شرق)، فصلنامه

-Fair, C., 2007. India-Iran Security Ties: Thicker than Oil. [Accessed March 12, 2015]. Available from: <http://www.isn.ethz.ch/Digital-Library/Publications/Detail/?ots591=eb06339b-2726-928e-0216-1b3f15392dd8&lng=en&id=47545>.

-Hall, I., 2015. Is a 'Modi doctrine' emerging in Indian foreign policy? Australian Journal of International Affairs, v. 69(3), p. 247-252.

-Haidari, A., 2015. India and Afghanistan: A Growing Partnership. The Diplomat [Accessed September 16, 2015]. Available from: <http://thediplomat.com/.../India-and-Afghanistan-a-growing-partn>.

-Kucera, J., 2006. Iran Expanding Ties with Central Asian States to Counterbalance US Geopolitical Pressure, Eurasia Insight, <http://www.eurasianet.org>.

-Nel, P. and McGown, P., 1999. Power, wealth and global order, Shout Africa: university of cape town press.

-Pant, H., 2010. India's Challenge in Afghanistan: With Power Comes Responsibility, Center for the Advanced Study of India, Working Paper.

-Sing Roy, M., 2012. Iran: India's Gateway to Central Asia, Institute for defense studies and Analysis, v. 36 (6).

-Sing Roy, M., 2001. "India's interests in Central Asia", Strategic Analysis, v. 24(12), p. 2272-2298.

-SIPRI Military Expenditure Database., 2014. Available from: //www.sipri.org/research/armaments/milex/milex database.

-Statistics Released (Federation of American Scientists [FAS], 2015. Available from: fas.org/.../nuclear-weapons/status-world.

-The Guardian., 2016. India to invest \$500m in Iranian port of Chabahar, [May

23, 2016]. Available from: <https://www.theguardian.com> › World › India.

-The World Bank., 2015. Afghanistan Economic Update: Fiscal Stability is Critical to Steer Afghanistan's Economy Back to Recovery and Growth, Available from: <http://www.worldbank.org/.../increasing-fiscal-stresses-against>.

-Yuan, J.D., 2007. The Dragon and the Elephant: Chinese-Indian Relations in the 21st Century, The Washington Quarterly, v. 30(3), p. 131-144.

Archive of SID